

شرق

روزنامه

دیدار آتالین پدر و دختر به مناسبت کریسمس در خانه سالمندانی در نیویورک. عکس: Yuki Iwamura-Reuters



زنان

مصائب زنان شاغل در بحران کرونا

از زنان با کمک شبکه‌های اجتماعی کسب‌وکارهایی با موضوع تولید و فروش محصولات خانگی راه انداخته‌اند که به علت بحران با کاهش فروش مواجه شده‌اند. این کسب‌وکارها معمولا سرمایه مورد نیاز خود را از خانواده دریافت می‌کردند که به دلیل دست‌به‌گریبان شدن هرچه بیشتر خانواده‌ها با مسائل اقتصادی، احتمالا دسترسی به این نوع سرمایه‌گذاری برای زنان کاهش یافته است. با وجود اینکه نتایج آزمایش‌های واکسن بارقه امیدی برای اتمام این وضعیت ایجاد کرده، اما همچنان معلوم نیست چه زمانی بتوانیم به طور کامل از این بحران نجات یابیم؛ بنابراین ایجاد تغییراتی در فضای کسب‌وکار می‌تواند شرایط را برای از دست ندادن استعدادهای زنان تسهیل کند. برخی از این تغییرات می‌توانند به شرح زیر باشند:

- ارائه امکان دورکاری همراه با کمک‌هزینه تجهیزات مورد نیاز از جانب سازمان‌ها و ادارات به زنان
- حذف بعضی‌های جنسیتی از سیاست‌های کنترل شیوع کرونا
- اختصاص وام به کسب‌وکارهای کوچک خانگی
- تلاش برای بهبود نگاه سنتی به تقسیم وظایف در خانواده

- سهیم‌شدن مردان در مراقبت‌های بی‌دستمزد.

در کنار دلایل انسانی و اخلاقی برای رفع تبعیض‌های جنسیتی در فضای کار، از نظر اقتصادی مسلم است که جوامع در حال‌توسعه برای رشد نیاز به افزایش مشارکت زنان در فضای کسب‌وکار دارند؛ بنابراین اندیشیدن به راه‌حلهایی برای این بحران به نفع تک‌تک افراد جامعه و نه‌فقط زنان خواهد بود. مسئله از دست‌رفتن شغل زنان و به‌خصوص از بین‌رفتن احتمالی آن به صورت دائمی، اثری درازمدت بر اقتصاد خانواده خواهد داشت و ممکن است در لایه‌های پایین درآمدی خانوارها منجر به ترک تحصیل هم‌پسران و هم دختران خانواده شود. زیرا تحقیقات نشان داده که زنان طرف سازآمان‌ها تأمین می‌شوند، اما در کشور ما به علت شرایط اقتصادی این امکان برای کسب‌وکارهای خصوصی کوچک وجود ندارد.

مشکل دیگری که گزارش مکنیزی هم به آن اشاره کرده نابرابری در فرصت‌های کسب‌وکار است. کسب‌وکارهایی که زنان در آن بیشتر شاغل هستن، در قید صنایع غذایی، پوشاک، فروشگاه‌ها و... همگی به‌شدت از بحران کرونا آسیب دیده‌اند. از طرف دیگر بسیاری

و تعدیل نیرو قرار می‌گیرند. «به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از عیسی منصوری، معاون اشتغال وزارت کار، در ایران حدود ۷۰ درصد از شاغلینی که به دلیل کرونا شغل خود را از دست داده‌اند، زنان هستند». این مشکل البته تنها محدود به کارمندان نیست و حتی گریبان زنانی را که کسب‌وکارهای مستقل دارند گرفته است. برای مثال در طرح محدودیت‌های کرونایی که اخیرا به اجرا درآمد «آرایشگاه‌های مردانه» در مشاغل گروه ۲ و «آرایشگاه‌های زنانه» در گروه ۳ (یعنی با اولویت تعطیلی بالاتر) قرار گرفتند. توجه به این نکته مهم است که بسیاری از آرایشگاه‌های زنانه کسب‌وکارهای کوچکی هستند که مخارج خانواده‌های صاحبان‌شان را تأمین می‌کنند. بنابراین از نظر کارکرد اقتصادی تفاوتی با آرایشگاه‌های مردانه ندارند. در این طرح حتی «مهدکودک‌ها» در اولویت تعطیلی بالا قرار گرفته‌اند. در حالی که تمهیدی برای والدین شاغل این فرزندان در نظر گرفته نشده است.

فراگیرشدن دورکاری بر اثر بحران کرونا اتفاقی است که در ظاهر می‌توانست به نفع زنانی تمام شود که نیاز به حضور در خانه دارند. اما از پیش‌نیازهای اصلی دورکاری داشتن تجهیزاتی از قبیل رایانه، تلفن همراه و اینترنت پرسرعت و حتی میز و فضایایی برای کار در منزل (یا به قول ویرجینیا وولف «اتاقی از آن خود») است. گذشته از اینکه این شکل از مشاغل در کشورهای در حال‌توسعه به اندازه کشورهای شکاف جنسیتی در دسترسی به رایانه، اینترنت و تلفن همراه نیز مانعی بزرگ در بهره‌بردن زنان از این وضعیت باشد. بنا بر گزارش سازمان فناوری اطلاعات در سال ۹۸، ضریب نفوذ تلفن همراه برای مردان در ایران ۸۵ درصد و برای زنان ۷۶٫۴ درصد است. در همین حال دسترسی به رایانه در مردان ۵۴٫۱ و در زنان ۴۲٫۷ درصد و ضریب نفوذ اینترنت در مردان ۶۷٫۶ درصد و در زنان ۶۰٫۴ درصد است. گرچه در کشورهای توسعه‌یافته این تجهیزات معمولا از طرف سازمان‌ها تأمین می‌شوند، اما در کشور ما به علت شرایط اقتصادی این امکان برای کسب‌وکارهای خصوصی کوچک وجود ندارد.

مشکل دیگری که گزارش مکنیزی هم به آن اشاره کرده نابرابری در فرصت‌های کسب‌وکار است. کسب‌وکارهایی که زنان در آن بیشتر شاغل هستن، در قید صنایع غذایی، پوشاک، فروشگاه‌ها و... همگی به‌شدت از بحران کرونا آسیب دیده‌اند. از طرف دیگر بسیاری

برای بسیاری از زنان شاغل مسائلی از قبیل کار خانگی، نگهداری از فرزندان و رسیدگی به امور خانواده همواره دغدغه‌ای جدی بوده است، زیرا از طرفی با وجود تسهیم هزینه‌های خانوار به علت شاغل‌بودن زن و مرد، همچنان مراقبت و رسیدگی به اعضای خانواده به صورت سنتی وظیفه زنان تلقی می‌شود و از طرف دیگر کمبود زیرساخت‌هایی همچون مهدکودک خوب و ارزان این مسئله را پیچیده‌تر می‌کند. اما بحران کرونا و دگرگونی عظیمی که در سبک زندگی و کار افراد به وجود آورده، فشار مراقبت‌های خانوادگی بدون دستمزد را هرچه بیشتر بر شانه‌های زنان شاغل گذاشته است. به گزارش مکنیزی، یکی از معتبرترین مؤسسات مشاوره مدیریت در جهان، بحران کرونا زنان را ۱٫۸ برابر بیشتر از مردان در معرض ترک یا از دست دادن شغل قرار داده است؛ مسئله‌ای که اگر سیاست‌گذاران چاره‌ای برای آن نیندیشند، می‌تواند سرعت رشد اقتصاد جهان را به‌شدت کاهش دهد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که برای این نابرابری اعلام شده افزایش بار «مراقبت‌های بی‌دستمزد» نظیر مراقبت از کودکان، سالمندان و کار خانگی است. همه‌گیری کرونا سبب شده است که مهدکودک‌ها و مدارس تعطیل شوند و آموزش به صورت مجازی اجرا شود. در آموزش مجازی معلم در کنار کودکان نیست، بنابراین لازم است که یکی از والدین در کنار آنها باشند و از آنها مراقبت کنند و این کار به دلایل فرهنگی و سنتی بر دوش زنان می‌افتد. از آنجا که گزینه دورکاری برای همه زنان وجود ندارد، بسیاری از مادران شاغل ناچار به گرفتن مرخصی‌های طولانی یا ترک شغل شده‌اند. به‌علاوه، افزایش خطر سفارش غذا و کمک‌گرفتن از مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات خانگی، بار کار خانگی را برای زنان چندین برابر کرده است.

اما کار خانگی تنها آسیبی نیست که بحران کرونا به اشتغال زنان زده است. نابرابری‌های اجتماعی نیز یکی دیگر از دلایلی است که این بحران را برای زنان تشدید کرده است. در بسیاری از جوامع سنتی شغل و درآمدداشتن در وهله اول وظیفه و حق مردان دانسته می‌شود، بنابراین هنگام بحران‌های اقتصادی زنان بیشتر در معرض اخراج قرار می‌گیرند. بحران کرونا نیز همین روند را تکرار کرده است. بحران کرونا به اشتغال زنان زده است. نابرابری‌های اجتماعی نیز یکی دیگر از دلایلی است که این بحران را برای زنان تشدید کرده است. در بسیاری از جوامع سنتی شغل و درآمدداشتن در وهله اول وظیفه و حق مردان دانسته می‌شود، بنابراین هنگام بحران‌های اقتصادی زنان بیشتر در معرض اخراج قرار می‌گیرند. بحران کرونا نیز همین روند را تکرار کرده است.

۵۰ خبرنگار در ۲۰۲۰ کشته‌شدند

خبرگزاری‌های جهان به نقل از سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کردند که در سال ۲۰۲۰ میلادی ۵۰ خبرنگار در سراسر جهان کشته شده‌اند. این سازمان تأکید کرد آمار خبرنگارانی که در کشورهای جنگ‌زده کشته شده‌اند گزارش سالانه خود در عین حال این آمار در کشورهایی که در حال جنگ نیستند افزایش یافته است. گزارشگران بدون مرز درباره خبرنگاران کشته‌شده در گزارش سالانه خود گفت: «گزارشگران بدون مرز کشته‌شدن ۵۰ خبرنگار را در رابطه با کارهایشان از اول ژانویه تا ۱۵ دسامبر سال ۲۰۲۰ میلادی ثبت کرده که این رقم چیزی شبیه به سال ۲۰۱۹ میلادی است (۵۳ خبرنگار در آن سال کشته شدند)، با وجود آنکه تعداد کمتری از خبرنگاران به علت شیوع ویروس کرونا در

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۹ - ۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ - ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم - شماره ۳۹۰۳ - ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ - اذان مغرب ۱۷:۲۱

اذان صبح فردا ۵:۴۴ - طلوع آفتاب ۷:۰۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت

هفته گذشته تصاویری جالب از ملاقات صمیمی هنرمندان با رهبری در رسانه‌ها انتشار یافت. قبلا هم روابط‌عمومی بیت رهبری، متن‌های خواندنی از حاشیه برخی دیدارهای ایشان منتشر می‌کرد. کاش مسئولان بلندپایه کشور، پخش چنین صحنه‌هایی را از مردم دریغ نکنند و اجازه دهند رسانه‌های مستقل به‌عنوان رکن چهارم مردم‌سالاری، در چنین دیدارهایی حضور پیدا کنند و درباره آن برای مخاطبان خود مطلب بنویسند. این ظلم در حق مسئولان نظام اسلامی است که نتوانند ارتباط طبیعی با مردم به‌مثابه ولی‌نعمتان انقلاب داشته باشند.

به یاد دارم سال ۷۳ در سرویس سیاسی روزنامه ایران مشغول کار شدم. دبیر سرویس، روز اول گفت که حوزه خبری شما، رهبری است. بسیار خوشحال بودم که مورد اعتماد واقع شده‌ام و تنظیم اخبار مهم‌ترین حوزه را به من سپرده‌اند و می‌توانم همه مهارت‌هایی را که درباره خبرنگوسی، مصاحبه و یادداشت در دانشگاه یاد گرفته‌ام، اینجا عملی کنم. اولین خبر را که از تلکس گرفتم، دبیر سرویس گفت خبرها قبلا تنظیم و برای همه رسانه‌ها ارسال می‌شود و باید از همان خبر تنظیمی که آن موقع آقای اکبر جوانفکر می‌نوشت، استفاده کنیم و تنها تیر و سوتیتر می‌توانیم بنیزیم. مصالحی در میان بود و من خیال می‌کردم رسانه‌ها باید اجازه داشته باشند بااهمیت‌ترین بخش اخبار کشور را برای خوانندگان خود، منطبق بر نیاز خبری مخاطبان تنظیم کنند.

اخبار دفتر رئیس‌جمهور هم با درج‌ای پایین‌تر، چنین شرایطی داشت و خبر را آماده و تنظیم‌شده می‌فرستادند. روابط‌عمومی مقامات دولتی، چنین تصور می‌کنند که وظیفه دارند چهره‌ای کاملا موجه، درست و بی‌نقص از آن مقام در رسانه‌ها انتشار یابد. شاید این تصور برای زمانی که رسانه‌ها محدود و متکلم وحده بودند، توجیه‌پذیر بود؛ اما برای عصر کنونی که مخاطب گزینشگر، دسترسی بدون مرز به رسانه‌های مختلف دارد، اصلا قابل درک نیست و اتفاقا به ضرر مقامات تمام می‌شود؛ چراکه رسانه‌های داخلی با لکت را در برابر رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، خلع سلاح می‌کند و اخبار خشک و رسمی، بدون تأثیرگذاری مطلوب پخش می‌شود و در مقابل، رسانه‌های خارجی با دید منفی، هرچه می‌خواهند منتشر می‌کنند و با تحلیل و تفسیر، به‌راتی خیریب می‌کنند. اگر خبرنگاران داخلی، اجازه حضور در دیدارها را داشته باشند و بتوانند خبر آن را به شکل حرفه‌ای و به تناسب اهمیت، تهیه و منتشر کنند، افکار عمومی دست‌کم در برابر حجم بزرگ اخبار رسانه‌های خارجی، می‌تواند خبری منطبق بر واقعیت از رسانه مدنظر خود دریافت کند. صدواسوما با پخش غیرحرفه‌ای اخبار مقامات، نقش

صاف و ساده

در ستایش رسانه بی‌لکنت

اصلی را در انتقال مخاطب به شبکه‌های خارج از کشور ایفا کرده است. بیننده بخش خبری تلویزیون، وقتی می‌بیند که خواندن فقط یک خبر ملاقات، بیش از ۱۵ دقیقه طول می‌کشد، دیگر منظر بقیه اخبار نمی‌ماند و شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی با دیگر شبکه‌های مشابه را که اخبارشان حرفه‌ای است و بر اساس ذائقه و نیاز خبری مخاطب، اما با سیاست‌گذاری مخصوص خودشان تنظیم شده، برای تماشا انتخاب می‌کند. شیوه فعلی روابط‌عمومی‌ها، از سال‌های دور باقی مانده و تغییری نکرده و امید است انتشار اخیر تصاویر غیررسمی، طلیعه‌ای برای چنین تغییراتی باشد. وقتی تصاویر مستند غیررسمی را می‌دیدم، یاد دیداری افتادم که حدود ۲۰ سال پیش شاهد آن بودم. آن زمان یکی از اقوام ما که پدر دو شهید بود، برای اشتغال فرزند دیگرش تلاش می‌کرد، او که روحانی سالخورده و سخنوری بود، از من خواست اگر بتوانم ملاقاتی با رهبری برایش بگیرم. تماس گرفتم و خیلی زود وقت تعیین کردند. پیش از ملاقات، برایشان توضیح دادم که صرفا خواسته خود را بیان کند. در روز ملاقات، جمعی از اבוشهیدین که دو فرزند خود را در جنگ از دست داده بودند، در اتاقی ساده و صمیمی حاضر بودند. میکروفون سیاری را دست به دست می‌کردند و پدران شهدا سخن می‌گفتند. من نامه‌ای را هم تنظیم کردم و داخل پاکت گذاشتم که اگر ایشان نتوانست خواسته‌اش را بیان کند، آن نامه را بدهد. آن موقع دولت اصلاحات بر سر کار بود و انتقادات زیادی از بی‌توجهی به ارزش‌ها در میان برخی اқشار مطرح می‌شد. با شروع ملاقات، حاضران که از شهرهای مختلف آمده بودند، شروع به صحبت کردند و درباره همین موضوع ارزش‌ها و شکایت از رواج بی‌حجابی زنان و نظایر آن مطالبی گفتند. نوبت به قوم و خویش ما رسید و او هم همان مطلب را بر حرارت و صلابت، در قالب دیگری بیان کرد. بعد از ملاقات، از ایشان پرسیدم چرا خواسته خود را نگفتید؟ او ناراحت بود و گفت در تعجبم، من که ۵۰ سال است منبر می‌روم، چگونه تحت تأثیر جو جلسه قرار گرفتم و الان به یاد نمی‌آورم که اصلا در آن جلسه چه گفتم! فقط بعد از اتمام ملاقات متوجه شدم که نتوانسته‌ام درباره اشتغال فرزندم، خواسته‌ام را منتقل کنم. اکنون پخش تصاویر مستند غیررسمی، برایم مشخص کرد که همیشه چنین نبوده و حتی امکان مکالمه انتقادی هم وجود دارد. حال تصور کنید اگر رسانه‌های مستقل، امکان حضور و توان انعکاس چنین مواردی را پیدا کنند، چقدر در ترسیم تصویر منطبق بر واقعیت از مسئولان اثربخش خواهد بود. افتخار نظام اسلامی همواره مردمی‌بودن و ارتباط با آحاد مردم بوده است. شاید انتشار این مستند غیررسمی، طلیعه‌ای بر وزیدن نسیم تحول خوب در دفاتر و روابط‌عمومی مسئولان و تحقق آرزوی دیرین سنت نبوی، مکتب اسلام و فرهنگ دینی در ارتباط با مردم و مقامات دولتی باشد. به یاد داشته باشیم که رسانه بی‌لکنت، موهبتی برای مردم و نعمتی برای مسئولان است.

زنان

از زنان با کمک شبکه‌های اجتماعی کسب‌وکارهایی با موضوع تولید و فروش محصولات خانگی راه انداخته‌اند که به علت بحران با کاهش فروش مواجه شده‌اند. این کسب‌وکارها معمولا سرمایه مورد نیاز خود را از خانواده دریافت می‌کردند که به دلیل دست‌به‌گریبان شدن هرچه بیشتر خانواده‌ها با مسائل اقتصادی، احتمالا دسترسی به این نوع سرمایه‌گذاری برای زنان کاهش یافته است. با وجود اینکه نتایج آزمایش‌های واکسن بارقه امیدی برای اتمام این وضعیت ایجاد کرده، اما همچنان معلوم نیست چه زمانی بتوانیم به طور کامل از این بحران نجات یابیم؛ بنابراین ایجاد تغییراتی در فضای کسب‌وکار می‌تواند شرایط را برای از دست ندادن استعدادهای زنان تسهیل کند. برخی از این تغییرات می‌توانند به شرح زیر باشند:

- ارائه امکان دورکاری همراه با کمک‌هزینه تجهیزات مورد نیاز از جانب سازمان‌ها و ادارات به زنان
- حذف بعضی‌های جنسیتی از سیاست‌های کنترل شیوع کرونا
- اختصاص وام به کسب‌وکارهای کوچک خانگی
- تلاش برای بهبود نگاه سنتی به تقسیم وظایف در خانواده

- سهیم‌شدن مردان در مراقبت‌های بی‌دستمزد.

در کنار دلایل انسانی و اخلاقی برای رفع تبعیض‌های جنسیتی در فضای کار، از نظر اقتصادی مسلم است که جوامع در حال‌توسعه برای رشد نیاز به افزایش مشارکت زنان در فضای کسب‌وکار دارند؛ بنابراین اندیشیدن به راه‌حلهایی برای این بحران به نفع تک‌تک افراد جامعه و نه‌فقط زنان خواهد بود. مسئله از دست‌رفتن شغل زنان و به‌خصوص از بین‌رفتن احتمالی آن به صورت دائمی، اثری درازمدت بر اقتصاد خانواده خواهد داشت و ممکن است در لایه‌های پایین درآمدی خانوارها منجر به ترک تحصیل هم‌پسران و هم دختران خانواده شود. زیرا تحقیقات نشان داده که زنان طرف سازآمان‌ها تأمین می‌شوند، اما در کشور ما به علت شرایط اقتصادی این امکان برای کسب‌وکارهای خصوصی کوچک وجود ندارد.

مشکل دیگری که گزارش مکنیزی هم به آن اشاره کرده نابرابری در فرصت‌های کسب‌وکار است. کسب‌وکارهایی که زنان در آن بیشتر شاغل هستن، در قید صنایع غذایی، پوشاک، فروشگاه‌ها و... همگی به‌شدت از بحران کرونا آسیب دیده‌اند. از طرف دیگر بسیاری

برای بسیاری از زنان شاغل مسائلی از قبیل کار خانگی، نگهداری از فرزندان و رسیدگی به امور خانواده همواره دغدغه‌ای جدی بوده است، زیرا از طرفی با وجود تسهیم هزینه‌های خانوار به علت شاغل‌بودن زن و مرد، همچنان مراقبت و رسیدگی به اعضای خانواده به صورت سنتی وظیفه زنان تلقی می‌شود و از طرف دیگر کمبود زیرساخت‌هایی همچون مهدکودک خوب و ارزان این مسئله را پیچیده‌تر می‌کند. اما بحران کرونا و دگرگونی عظیمی که در سبک زندگی و کار افراد به وجود آورده، فشار مراقبت‌های خانوادگی بدون دستمزد را هرچه بیشتر بر شانه‌های زنان شاغل گذاشته است. به گزارش مکنیزی، یکی از معتبرترین مؤسسات مشاوره مدیریت در جهان، بحران کرونا زنان را ۱٫۸ برابر بیشتر از مردان در معرض ترک یا از دست دادن شغل قرار داده است؛ مسئله‌ای که اگر سیاست‌گذاران چاره‌ای برای آن نیندیشند، می‌تواند سرعت رشد اقتصاد جهان را به‌شدت کاهش دهد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که برای این نابرابری اعلام شده افزایش بار «مراقبت‌های بی‌دستمزد» نظیر مراقبت از کودکان، سالمندان و کار خانگی است. همه‌گیری کرونا سبب شده است که مهدکودک‌ها و مدارس تعطیل شوند و آموزش به صورت مجازی اجرا شود. در آموزش مجازی معلم در کنار کودکان نیست، بنابراین لازم است که یکی از والدین در کنار آنها باشند و از آنها مراقبت کنند و این کار به دلایل فرهنگی و سنتی بر دوش زنان می‌افتد. از آنجا که گزینه دورکاری برای همه زنان وجود ندارد، بسیاری از مادران شاغل ناچار به گرفتن مرخصی‌های طولانی یا ترک شغل شده‌اند. به‌علاوه، افزایش خطر سفارش غذا و کمک‌گرفتن از مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات خانگی، بار کار خانگی را برای زنان چندین برابر کرده است.

اما کار خانگی تنها آسیبی نیست که بحران کرونا به اشتغال زنان زده است. نابرابری‌های اجتماعی نیز یکی دیگر از دلایلی است که این بحران را برای زنان تشدید کرده است. در بسیاری از جوامع سنتی شغل و درآمدداشتن در وهله اول وظیفه و حق مردان دانسته می‌شود، بنابراین هنگام بحران‌های اقتصادی زنان بیشتر در معرض اخراج قرار می‌گیرند. بحران کرونا نیز همین روند را تکرار کرده است.

هفته‌نوشت

روزمره کسی، خبر داغ دیگری



این روزها از جاهای گوناگون و به گونه‌های روزافزون درباره رویدادها، روندها، کارها و آدم‌ها می‌شنویم، می‌خوانیم و می‌بینیم. ناگهان روزمره کسی، خبر داغ روز می‌شود. برخی خبرها و داده‌ها با اینکه نخست برای مردم نو و گیرا هستند ولی رفته‌رفته از کانون توجه می‌افتند. هنگامی که با رخداد ناگوار ی رویه‌رو می‌شویم، نخستین پرسش‌ها درباره آگاهی یا ناآگاهی قربانان، پیش‌بینی‌پذیری یا ناگهانی بودن رخدادهاست.

روزگاری این کوبه بر سر زبان بود: «آگاهی حق مردم است» و بسیاری از کنشگران برای آگاه‌سازی در تلاش بوده‌اند. در ادبیات ایرانی همه آمده است «اقتضای جان چو ای دل آگهی است/ هرکه آگه‌تر بود جانش قوی است». مولوی جلال‌الدین بلخی هم در داستان‌ها و آموزه‌های مثوی به بایستگی خبر و آگاهی برای درمان و چاره‌جویی پرداخته است. چه‌بسا تا کمی بیش از ۱۰ سال گذشته هم هنوز کم‌آگاهی و آگاهی چالش کانونی در تعامل میان گروه‌های اجتماعی-اقتصادی گوناگون و رابطه میان دولت/حاکمیت و مردم به شمار می‌رفت، ولی در سال‌های کنونی آیا هنوز هم مسئله ما آگاهی است؟ با این شمار روزافزون دانش آموختگان، آموزش رسمی و دانشگاهی آیا آگاهی به تنهایی سودمند و بسنده بوده است؟ در جهانی که رسانه‌ها از جایی تا جایی، از بنگاهی تا شهروندی، دولتی یا شخصی، به همه چیز می‌پردازند و شما در یک آن می‌توانید به توده‌ای بزرگ و پرشمار از داده‌ها در هر زمینه‌ای دست پیدا کنید، آیا مسئله ناآگاهی همچنان پررنگ است یا باید از چالش فرون آگاهی و سرریز انبوهی از داده‌ها سخن گفت؟

چه‌بسا در روزگار کنونی ما فزونی داده‌ها و گوناگونی داده‌پردازی‌ها وضعیتی را پدید آورده است که هم کانون‌مندی (تمرکز) و دقت پردازشی ما را دچار کاستی می‌کند و هم از سوی دیگر آشفنگی و هم مقاومت و سرسختی در برابر داده‌ها پدید می‌آورد. آنچه روزی به‌مثابه حق همگانی پیگیری می‌شود، امروز در بسیاری از زمینه‌ها در دسترس است ولی بسیاری از ما از مهارت‌های پالایش، سنجش و به‌کارآوری این توده پرشمار از خبر و داده‌ها بی‌بهره هستیم. شاید بتوان کم و زیادی یا دسترسی و نابرخورداری از داده‌ها و خبر را با باران و بارش همانند کرد. اگر از مهارت، روش و ابزارهای بهره‌برداری از بارش باران و برف برخوردار نباشیم، باران ن‌تتها به ما کمکی نمی‌کند بلکه به آسیب و سیل توفنده و ویرانی می‌انجامد یا در کم‌زبان‌ترین روی به هدر می‌رود.

ما برای زیستن و زندگی گروهی به داده‌ها و پردازش داده‌ها وابسته هستیم. آگاهی بر پایه پردازش داده‌های درونی و بیرونی می‌آید، ویرایش یا دگرگون می‌شود. آگاهی بنیان خودکارآمدپذیری، خودباوری و زمینه‌ساز به‌کارگیری توانایی‌های ماست. آگاهی زیرساخت باورها، ارزش‌ها، بازخورد (نگرش)‌ها و زمینه‌ساز رفتارهایمان است. امیدها و ناامیدی‌هایمان ریشه در آگاهی و شناخت ما دارند و هیجان‌ها و دل‌بستگی‌هایمان با آگاهی، ارزیابی از برانگیزاننده درونی یا بیرونی و مانده‌گاری آگاهی‌هایمان در پیوند هستند. بسیاری از چالش‌ها و زک‌کاری‌هایمان هم برگرفته از سوگیری، وارونگی، بدفهمی و کارکردهای شناختی (توجه، تمرکز، دربارش، به‌یادیساری و برهان‌پردازی) نامتعادل بید می‌آیند و پیچیده‌تر می‌شوند. اکنون در هنگامه‌ای از داده‌پردازی بی‌پایان و توده‌ای و با کارهای رسانه‌ای گوناگون و سامانه‌های رنارنگ و پرشمار برخط و شبکه‌های اجتماعی باز هم برسیم آیا مسئله ما ناآگاهی است یا دچار گرفتاری‌های دیگری هستیم؟ فزونی داده‌ها و شبکه‌های داده‌پردازی در کنار دستاوردهای ارزنده و سازنده ازجمله پیشبرد خواسته‌های مردم و بهبود کیفیت زندگی، می‌توانند فرد یا جامعه نااماده و دچار کاستی در مهارت‌های شناختی را گرفتار آواززدگی رسانه‌ای، جریان‌های سودار، آشفنگی شناختی، ناامیدی و فرسودگی، با‌تجزیه خطاهای شناختی و برداشت منفی از خود، زندگی و آینده کنند. شاید در کنار بهره‌برداری از سامانه‌های داده‌پردازی و پایداری برای نگه‌داشتن فضای باز دادرسانی، بیش از همیشه نیازمند بهبود مهارت‌ها، سامان‌دهی به معنای‌پردازی بر پایه داده‌ها (دیتا/خبر) و به‌کارآوری آگاهی‌هایمان هستیم. همه می‌دانیم که داده‌های هوشناسی، آلودگی هوا، فشردگی آمدوشد (ترافیک) و خیلی داده‌های دیگر که برایمان پیش‌پاافتاده شده‌اند، اگر به کار برده شوند باید ما را در برابر خطرهای پیش‌رو هوشیارتر و برای بهره‌برداری از فرصت‌ها چابک‌تر کنند. چرا ما با وجود آگاهی از خطر‌ها چنین رفتار می‌کنیم؟

در میان این همه دانش، آگاهی و داده‌رسانی و پردازش ما از چه مهارت‌هایی از این بارش و پیران بهره‌بردار می‌کنیم و چگونه تهدیدها را به فرصت دگرگون می‌کنیم و فرصت‌ها را به کار می‌بریم؟ آیا می‌خواهیم برای آشفنگی، مقاومت و دفاع‌های روانی و اجتماعی و تاریخی‌مان در برابر دانستن و به‌کارآوردن آگاهی چاره‌اندیشی کنیم؟ اگر بخواهیم می‌توانیم.